

قسمت اول. گزارش مختصر
هیأت باستانشناسی ایالت لوی در افغانستان

کنجکاوی و یهای نخستین در غزنی

۱۹۵۷-۱۹۵۸

بقلم داکتر شیراتو عضو هیأت

پروفیسر بمباچی مدیر هیأت باستانشناسی ایالت لوی بازو پسند :
این مقاله و خانم وی در کاوشهای نخستین (بهار - خزان ۱۹۵۷)
سهام گرفت. عمایات دومین (بهار - خزان ۱۹۵۸) در غیاب پروفیسر
بمباچی - که مصروف کار دیگری بودند و مدت بسیار کوتاهی در غزنی
ماندند توسط نگارنده اداره شد. درین نوبت یک معمار را روپایی
یاد و دانشجوی، یکی رومی و دیگری کاپلی، سهم داشتند. صادق خان،
مدرس اعزامی موزه کابل، در هر دو کنجکاوی همکار یهای پراجی
کردند. از فرصت استفاده میکنیم و از آقایان که در پیشرفت کارها
بما معاونت کردند با تشکر نام میبریم:

جلالتماب سید عباس خان نائب الحکومه غزنی لطف و کمکهای
فراوان فرمودند. بناغلی علی ولی حکیمی بناروال غزنی که درباره
گنجینه های هنری شهر خویش اطلاعات وسیع و نافعی دارند،
در کار حفریات رهنمایهای پراجی کردند. همچنین میخواستیم
مراتب امتنان خاص خود را به بناغلو احمد علی کهزاد رئیس انجمن
تاریخ افغانستان و محمدنبی کهزاد مدیر مجله افغانستان که در تحقیقات
تاریخی - مربوط به وطن - خویش - علاقه مفروضی نشان دادند
ابرازداریم.

ترجمه علی رضوی غزنوی

قسمت دوم این راپور در شماره آینده نشر خواهد شد. م



یسک قسمت حفریات ، از طرف زیارت سلطان ابراهیم



نشان گودا اهایی که در اثر حفاری کاوشگران ناشناس برجای مانده
از طرف شرق دیده می شود.
مربوط به مقاله کجکاویهای نخستین درشزنی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کار کنجکاوای در دو نقطه شرقی شهر قدیم غزنی آغاز شد؛ یکی در دشت
هناره که درین راه پور از آن بنام «کاخ» یاد خواهد شد و دیگر در تپه های روضه
که در شمال دشت واقع است و ما آنرا خانه ظروف گج اندود خواهیم خواند.
محل اولی که برای حفریات انتخاب شد شکل یک صحن مربع بزرگی را دارد
که به فاصله ۳۰۰ متر در شرق منار محمود سوم افتاده است و آخرین نشیب تپه های
روضه را در شمال شرق جاگه غزنی تشکیل میدهد.

اگر از بلندیها بسوی جنوب بنگریم، از پایین، وادی لم یزرعی بنظر میاید
که در بین آن سبزه های زمردین و دروای آن منظره یک نواخت و ناگسیخته ای
بچشم میخورد. در مرکز، در جلوساحه حفریات، تپه کوچکی بنام تپه سردار دیده می شود
این ساحه از سوی غرب بوسیله بلندی که مرکز شهر امروزی غزنی در آن قرار دارد
و بوسیله کمر بند سبزی که دریای بهمین نام، غزنی، را احاطه میکند، محدود شده
و از سوی شرق بواسطه واحه بزرگ روضه که آرامگاه محمود در آنست.

صحنی که گفتیم، تا یک اندازه مصنوعی میباشد و بدون شبهه در وسط خرابه های
بسیار وسیع و ممتد غزنی وقوع یافته. این صحن، چار ضلعی است و بطور برجسته
شکل ذوزنقه دارد، هر ضلع آن صد متر است. این صحن بوسیله یک ازاره
سنگی ممتد که حصار را بسوی جنوب و غرب می پوشاند احاطه شده در حالیکه
تمام آنچه در طرف شرق باقی میماند اثر منفی دیواری است که در آن نشان حفاری
جویندگان مصالح عمرانی به شکل یک گوردال دیده می شود. قسمت شمال
یاثر ویران کاری مجهول مانده و چنین می نماید که این دیوار احاطه، در چار گنج
خود برجهای داشته، آثار این برجها تا کنون لااقل در سه سوی تشخیص شده است.

از ازاره سنگی که در قسمت جنوبی امتداد یافته از میدان مجاور خود بطور متوسط
از ۶ تا ۷ متر ارتفاع دارد و در موازی آن به فاصله تقریباً پانزده متر به یک سطح
پایین تر، اثری از یک دیوار دیگر ملاحظه می شود که شاید با دیوار حصار متصل
و مربوط بوده باشد ولی تا کنون امکان تحقیق فراهم نشده تا این ارتباط و اتصال
محقق گردد. دیوار دومی، طرف شمالی یک حصار بزرگ مربع زاتشکیل میدهد
که از شمال به جنوب کشیده شده و میدان کاملاً همواری را ازین احاطه جدا میکند.
دیوار حصار از پخسه ساخته شده و آنچه که باقیمانده عبارت از یک قطار
بسیار عظیم خشت پاره ها است. در چند قدمی داخل احاطه حصار علاوه کاریزی

بملاحظه میرسد . در طرف جنوب نزدیک زاویه جنوب غربی در بیرون احاطه ، دیوارهای حصار کوچکی دیده می شود .

دیوار غربی حصار A قسمت بزرگی از حصار دیگر B را که قسمتی از آن اکنون « تعلیمگاه نظامی » است تشکیل میدهد . این قسمت شکل ذ و ذنقه دارد و انجام جنوبی آن باریکتر است . گوشه های جنوبی و غربی ، اندکی در زمین نمایان است . سمت شرق و شمال که ردیفی از برجهای نیم دایروی آل روبه شمال پیش برآمدگی دارد ، بهتر حفظ شده . در زاویه شمال شرقی ، بقایای عمارت بزرگی محفوظ است . اینجا باید یاد آور شد که حصار B مورد علاقه زیاد است زیرا چنانکه در نقشه ای که از فضا گرفته شده خواهیم دید بقایای یک قسمت قبل از اسلام شهر غزنی را در بردارد و بهیچوجه نباید از آن غفلت کرد .

اینک به گفتگو درباره جایی که برای کنجکامی انتخاب شده بر می گردیم باید یاد داشت کنیم که تقریباً مانند همه خرابی های غزنی اینجا هم بوسیله کسانیکه در طلب مواد عمارت سازی بوده اند بمرور قرنهای حفاری شده و بجای کان سنگی بکاررفته است و بدین روشن ایفان در کار ویران کنی باز مانده است .

درجه حرارت که از ۲۰-۲۵ درجه سانتی گراد در زمستان ، تا مثبت ۴۰ درجه در تابستان است با توفانهای سنگین برف در فصل زمستان و بارانهای شدید بهاری البته بزرگترین دشمن این بناهای مربوط به فن معماری میباشد که رویهمرفته همه از گل یا خشت خام ساخته شده اند و بهیچوجه تاب تاب تاب ندارند .

در مرکز صحن و موضوع بحث ، چنانکه عمق پیمایی ما نشان میدهد یک گود شدگی کم عمق در حیاطی موجود است که در سمت غربی آن یک تپه بزرگ میباشد . در وسط این تپه خاکی بنای کلبه آسای گنبد داری جای دارد که بنام زیارت سلطان ابراهیم یا سلطان حلقوم مشهور است (ش ۲) در بین این تپه و تپه دیگر در حاشیه بیرونی ، یک گودال طویل موجود است که به یک یا شاید دو حیاطه کوچکتر دیگر تعاقب دارد .

از نیمه شرقی صحن ، آنچه برجای مانده عبارت است از شبکه های گود شده متعددی که در آن یک نوع محله ای مشتمل بر چند خانه که در گرداگرد یک حیاط کوچک آباد شده تشخیص داده می شود بخش شمالی نیز حالت ویرانه دارد و حدود آنرا مشکل است تعیین کرد . قسمت غربی صحن کمتر کنجکاوی شده یا لااقل در روزگار اخیر نشده و از همینجا بود که ما به کار تحقیق خویش دست بردیم . کار را از جنوب غرب محله آغاز کردیم و بسوی شمال غرب پیش رفتیم و تا کنون فقط قسمتی از آنرا عمق پیمائی کرده ایم .

کاخ « دشت مناره » چنانکه ازین پس خواهیم دید یگانگانه جایست که فقط در همینجا باید عمارت های پنهان را تجسس کرد . اهمیت بزرگ باستان شناسی این قطعه واضح بنظر رسیده این اهمیت را شماره ای از پارچه ها و قطعات زیبای تزئیناتی گچ و « تیرا کونا » یا گل صورت سازی (گل قهوه ای رنگی که برای ساختن ظروف ، مجسمه های کوچک و آرایش عمارات بکار می برند) که پیش ازین بدست آمد تا بید و تاکید میکند . روی پهنه کارهایی که در روی مرمر صورت گرفته در اینکه ابنیه قابل توجهی از زیر خاکهای این محل بیرون خواهد شد شبهه ای باقی نمیگذارد .

با نظارت تاریخی که از پایان کار و شهای هیأت بدست خواهد آمد ناگزیرم باین نکته اشارتی کنم که تاریخ آبادی این عمارت پیچیده و مبهم است و همین مطاب ، تبصره بیشتر را دشوار میگرداند .

چنین مینماید که پس از دوره ای که تاریخ آن شاید بروزگار سلطان ابراهیم و پسرش محمود سوم برگردد درین بنا ها تغییری روی نمود . شاید پاره ای ازین تغییرات در عهد غزنویان و پاره دیگر در عصر غوریها رخ داده باشد این آبادیها که در دوره خوارزم شامان روبرو ویرانی گذارد و شکل قرارگاههای بی ارج و اهمیتی را به خود گرفت باحمله مغول به کلی تغییر یافت و گویا به صورت نیمه ویرانه ای درآمد .

دوکاوش نخستین بما توانائی بخشید تا وجود یک حیاط بزرگ را در برابر گودالی که بمساحت 20×42 متر در قسمت مرکزی خرابه واقع است ثابت کنیم . این حیاط بوسیله راه پیاده روعریضی که در آن تخته های مربع مستطیل مرمر سفید

به قطعهای مختلف فرش است احاطه شده. حواشی خشتهای مرمرین با مرمرهای کبود ما یل به سبزی جدول کشی شده و در تمام حصص حتی گوشه ها و کساره های خانه ها بکار رفته است.

تا کنون روشن نیست که آیا این حیاط ایوان یا رواقی هم داشته و همچنان معلوم نیست که آیا قسمت مرکزی حیاط هم با مرمر فرش بود یا تنها زمین آن تسطیح گردیده؟ در وسط سمت جنوبی حیاط، اتاقی باز می شود که احتمال می رود ایوان بوده باشد. این ایوان با خشتهای مربع بزرگی بطرح لوزی فرش همیشه و بخوبی حفظ شده است. دیوار عقبی به دلانی باز می شود که اصلاً دارای طاق بوده و مدخل تالار بزرگی که شاید ستونهای داشته است بشمار می رفته. آنچه از این ستونها باقیمانده همه شکسته و خراب شده، اگر چه بسیار مهم بوده و از شکستگیهایی که در دست است میتوان بقایای این ستونها را که در روی آن خشت کار شده است شناخت. علاوه بر این ستونها باطرچهای هندسی و با گچ سرخ آرایش شده. ستون دیگری در نزدیکی مرکز و ستون سومی شاید در مجاورت دیوار عقبی جای داشته که قسمتی از آن در تاریخ بعد با ستون مربع شکلی پوشانده شده.

تالار دوم اکنون به دو جهت بسیار به مشکل شناخته می شود. یکی به علت آنکه طرف شرق آن از غارتگران طماع آسیب دیده و دیگر به نسبت ضمیمه و افزایشی که بعدتر در آن صورت گرفت و بناها را باروکش هندسی کاملاً پوشانید. یکی از فرشهایی که تاریخ آن زوتر است و از مخلوط گل سفید با پارچه های خشت به وجود آمده است عمق پیمایی شد. از اثر این کاوش بعضی پارچه های نفیس گج اندود و ظروف سفالین بدست آمد. باید بخاطر داشت که در اثنای حفاریات یک تعداد قابهای گلی با اندازه های مختلف مخصوصاً در تالار دوم پیدا شد. این قابها بسیار آگشاد و گج اندود است و شاید آنها را جهت انتقال به گنبدی ساخته بودند. علاوه از همین جا پارچه های گرد و کروی تزیینی گج کاری و گلی بدست آمد.

در صحن ایوان اول طبقه ضمیمه از خشت پاره ها کشف شد که محتوی قطعات زیبای آرایشی و هنری است. این پارچه ها که متعلق به سر لوحه یسا کتیبه می باشد به حروف کوفی و نسخ با سبک عربی و طرچهای هندسی بسیار استادانه نبشته و نقاشی شده. از کنار دهلیزی که به تالار دوم مرهبری میکنند پارچه های مختلفی پیدا شد که دو بساره در

ساختمان دیوار کوچکی بکاررفته بود. این پارچه هاقسمتی از طاقی را تشکیل میداده که زینت بخشای تالار بوده است.

به سمت غرب تالار دوم، عتب یک دیوار قوی خشت خام که به دیوار محوطه پیوسته نیست تالار سوم با ابعاد کلان و ستونهای نیم ستونهای چندی واقع شده که سخت دلچسپ است تاریخ بنای این تالار که به وضع کنونی خرد از بناهای اولیه بشمار نمیرود دانندگی مهم است و بنا برین مختصری درباره آن سخن میگیریم.

در طرح نخستین چهار ایوان داشته و این شکل اگرچه اصلاح و تعدیل شده باشد باز هم اندکی محفوظ مانده است. تاریخ این ستونها بنظر اول به تاریخ طرح اصلی ایوان فنی رسد، زیرا طوری که از ستونهای کوچک جاذب غربی معلوم میشود، ستونهای مذکور بر دیواری قرار دارد که در سابق روی آنرا گچ کاری کرده بودند. این ستونها در نیمه غربی جانب مذکور از بین رفته و تنها دیوارهای مسلسلی برجایست که ظاهراً جای دیوارهای دیگر را گرفته.

در سمت شرق، یک ایوان بزرگ و عمیق است که دورشته پلگان کوچک در جناح آن واقع شده این ایوان با دیوار متقابل بوسیله ایوان تاریک و بی روزنی که در میان ستونهای مرکزی - که از ستونهای مجاور دورتر است - جای گرفته، هم آهنگی دارد. ایوان سوم، اگر از روی وضع فعلی آن و شکل باقیمانده ستونی که پاسگاهی را در شرق تشکیل میداد حدس بزنیم، بسوی دیوار جنوب باز میشود.

بسیار احتمال دارد که ایوان چهارمی ولو اندکی عمیق یا تاریک هم بوده باشد در سمت شمال باز میشود. تشریحاتی که بعداً در بخش ادبکلی تناسب و ابعاد تالار را به گونه دیگر در آورد. یک ایوان کلان عمیق در سمت شرقی بنا یافته بود که تقریباً نیمی از تمام تالار را اشغال میکرد. مدخل این اتاق در کنج شمال شرق در میان دو ستونی واقع بوده و راه دخول مستقیمی به تالار نداشته است. در جلو مدخل، خشت فرشی بود که در آن خشتهار باشکال هندسی همچون فرش تالار لب بلب بکار برده بودند. جایکه فرش به قسمتهای غیر مساوی و مستطیل بود اسطوخودوس جدا میشود.

در شمال تالار سوم اتاقهای کوچکی دیده میشود. یکی ازین اتاقها باخشت پخته فرش است و در وسط آن قالب کوچکی از مرمر پیدا شد که شاید یکی از خانه های خصوصی کاخ باشد.

تالار پنجم که نسبه طولانی تر و تنگ تر است، دلچسپ تر میباشد. این تالار با قبه‌ای پوشیده شده بود و طاقهای خشتی آنرا به حجره‌های چندی تقسیم می‌کرد. سبک بنای این تالار همان سبک معمول عصر است و حتماً ایوانی بوده که به سوی یکی از حیاطهای داخلی باز می‌شده و به فرورفتگی که در طول دیوار محوطه بوده تعلق داشته. این فرورفتگی بموازی محور اصلی حیاط مرکزی واقع است.

در سمت غرب حیاط مرکزی یک سلسله خانه‌هایی افتاده که یکی از آنها بزیارت سلطان ابراهیم پیوسته است. از پارچه‌های آرایشی گچ کاری که بدست آمد روشن است که این خانه باید خیلی زیبا و جالب بوده باشد. یک قطعه فرش گچ‌بری و حکاکی شده ازینجا پیدا شد ولی بدبختانه در اثر تنوری که در آنجا است شکسته و خراب شده.

در حصه شمالی حیاط بناهایی از خشت پخته آشکار است و از آن میان یکی به لحاظ انداز و قابل یاد آور است از این قسمت بعضی پارچه‌های نفیس و زیبای تزیینی کشف شد که با قلم طرح ریزی شده و یکی از جالبترین آن مجسمه مرمری برهما است.

گودالی که قطاع دایره جنوبی را با شمالی می‌پیوندد، دیوارهای ناقصی را که بعد از خشت پخته ساخته اند نمایان کرد.

دو قسمت دیوار احاطه جنوبی که کشف شد نشان داد که این قسمت همچون تالار دوم دارای یک برج دو پهلوئی نیم دایره‌ای میباشد که از محیط خود پیش برآمده است. دیوار که بادقت و نظم کامل از خشت خام ساخته شده بر تهادی از سنگ قرار گرفته و به وسیله دو پایه صف خشت بهم پیوند شده است. در یکی از دوره‌های بعد چند دهنه را کاملاً باریک و سنگریزه‌ها پر کرده‌اند. آزمایش دقیقی که در محیط غربی صورت گرفت ساختمان مختلفی را نشان میدهد که قسمت پایانی آن پخسه است و قسمت فوقانی خشت خام.

بوضاحت می‌توان دید که کاخ مورد بحث، محیطی به شکل شبه ذوزنقه دارد و اینکه در داخل آن به چندین تدبیری تشبث و توسل شده تا آنرا پنهان کنند. بدین ترتیب دیوارهای شمال-جنوب به صورت راست گوشه‌ئی بسوی دیوار احاطه جنوبی جای گرفته‌اند و دیوارهای دیگر که خانه‌ها را در سمت حیاط محدود میکنند

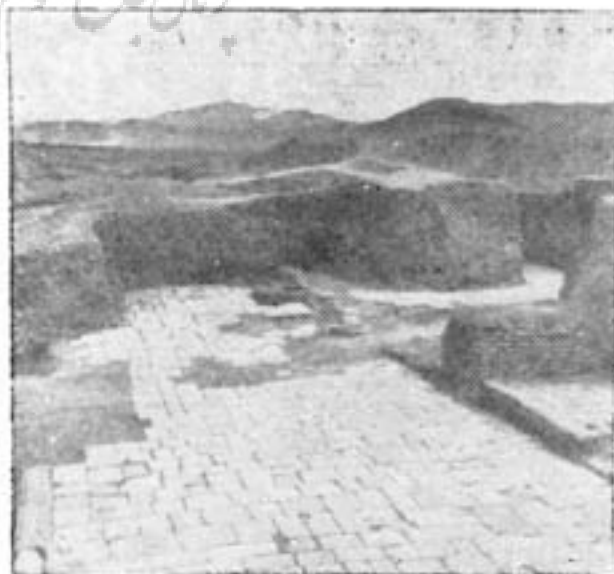
کاخ - دروازه شمالی، تالار سوم



منظره شرقی تالار سوم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

در راهرو و محوطه های کاخ
سنگ مرمر فرش است



کج می شود و بقایای محوطه بزرگی را که شکل مربع مستطیل دارد عبور میکند. در
درحواشی داخلی این محوطه خانه هایی است و در نیمه شمالی آن عماراتی که نزدیک
منار مسعود سوم واقع شده (۱) این راه هنوز ادامه دارد تا آنکه کاخ را به فاصله
تقریباً پنجاه متری عبور میکند. چنانکه در عکس که از هو ا گرفته شده میتوان دید و هم
بطوریکه در اصل موضوع با آسانی می توان ملاحظه کرد از همین جا حتماً راهی بیشتر بسوی
جنوب میگذاشته تا آنکه از کنار تزیینات منار مسعود دو کاخ عبور میکرد. نشانهای باقیمانده
از راهای متقاطعی که از تپه های روضه در امتداد ردیفی از بقایای عمارات ویران
تعقیب می شد بدرستی این گفتار گواهی میدهد. زیرا بیشتر خانه هایی که مردم در آن
زندگی میکردند در همین جا واقع بود. یک نکته با یاد روشن باشد که این خانه های
نشیمن در زمانهای قدیم با شاهراهی مجهز بود که در مجاورت تپه روضه باراه
که الان در باره اش سخن گفتیم می پیوست و وسیله مورد نیاز همان راه
تدارک می شد. در آخرین حصه این راه آثار و بقایای خرابه هایی که در امتداد
آن واقع بود بچشم می خورد.

تعیین موقعیت این شهر ظاهراً از احاطه بزرگت بسیار اختلاف دارد البته اختلاف هم
صرفاً اتفاقی یا تصادفی نیست. ما خواهم کوشید تا بصورت موجز احاطه مورد
نظر را خوب آزمایش کنیم. عکس های داخل این نقشه که از هو ا گرفته شده
یک شبکه نگاری را به شکل مربع نشان میدهد که حتماً همان سیستم راه سازی
میباشد که در داخل آن آثار نقشه عمارت سازی را می توان باسانی دید.
آثار باقیمانده را که در زمین افتاده و زمین هم اکنون به شکل همواری درآمده
است بمشاهده مستقیم نمیتوان تشخیص داد اما مسلماً خیلی قدیمی میباشد و در
هر حال نسبت به تمام آثار مربوط به بالستان که در حوال و حوش آنها دیده می شود
کهن تر و سابقه دارتر است عکسها یی که از هو ا گرفته شده آثار پیلانی را که
در آن تمام خصوصیات یک شهر یا لشکرگاه نمایان است بوضاحت ارائه
میدارد.

(۱) درین صورت همچون صورتهای دیگر ظاهر ا منارها با عمارات پیوسته بود. یا
آنکه گویا فاصله بسیار اندکی داشته اند. فکر میکنم در اینکه این عمارات همه مسجد
بوده اند نباید شک داشت باید بخاطر آورد که منار مسعود سوم نزدیک یک عمارت
در داخل یک احاطه است، چنانکه در دهمی هم بنظر است.

پیش از معلوم شدن نتیجه کاوشها یسی که باید انجام گیرد اظهار نظری
در باره تاریخ آثاری که در داخل موضعی که بوسیله این چهار دیوار احاطه
شده ، محفوظ مانده است بسیار دشوار و خطرناک می باشد اما احتمال می رود
که آنان علامات و نشانیهای باقیمانده پیش از اسلام را پنهان می کردند ،
شاید باشندگان این محل در روزگاری که تاریخ آن را نمی توان تعیین کرد این
شهر را ترک کرده اند اما به کلی متروک نشده و مثلاً در باریان ، هنگام شکار از آن
کار می گرفتند یا بحیث ناحیه ای که در آن قلعه های نظامی برپای می نهادند مورد
استفاده بوده است .

از احتمال بعید نیست که محوطه A یکنوع ضمیمه یا ملحق B باشد . در هر
حال مجاورت همین محوطه های وسیع بود که ما را با انتخاب این موضع برای
کنجکاو و درباره محل اصل کاخ رهبری کرد ، کاخی که از یک سو بوسیله قطار
دیوارها در اتصال نقطه B مشخص شده و از سوی دیگر بوسیله راهی که بطرف
جنوب می رود .

این - تعقیب که ما شایسته راهی را که در روزگار پیشین میان غزنی و تپه های روضه
تعقیب می شد روشن و محقق کردیم اهمیت خاصی دارد . نه تنها از لحاظ اینکه
برای نقشه غزنی قدیم بصورت عمومی مورد دلچسپی است بلکه همچنان از لحاظ
اینکه ممکن است ما را در حل مشکل پیدا کردن مدخل قصر که ما بلیم جای آنرا
شمال راه تعیین کنیم و راهنمایی بنماید .

نکته - تقریباً واضح است که این قصر از یک راه ورود بیش نداشته
وروش عمومی شرقی درین قسمت چنان روشن است که نیازی بمثال نداریم ،
(۴) اگر بپذیریم که محل وقوع قصر در سمت شمال بوده البته باید پذیرفت که
در نقطه محور حیاط یعنی در همانجایی که ایوان اول به چشم می خورد واقع بوده است
از حفاریاتی که تا کنون در جناح شمال صورت گرفته تنها چند دیوار خشتی ظاهر شده
است و این حقیقت که خشت پخته برای آن انتخاب شده و بکار رفته مار ابد آن میدارد

(۱) در باره درهای ورودی بناهای بزرگ شهرهای مشرق زمین قواعدی نمیتوان
در دست داد .

که عقیده کنیم این قسمت بناء دارای زیبایی خاصی بوده است. از تحقیقاتی که در دیوار حصار جنوبی صورت گرفت باین نتیجه رسیدیم که مدخای درین سمت نبوده در حالی که نمیتوانیم وجود یکت مدخل را در سمت شرق و غرب ثابت کنیم. در صورت اخیر این مطالب باید یاد آوری شود که پیشروی دیوار میدان وسیعی است که از آن نشان بقیه محیط بخوبی روشن است ولی البته سخن آخرین را باید برای نتایج گذاشت که از تحقیقات آینده بدست خواهد آمد (۵)



(۵) قسمت غربی قصر با دیوارهای که از پنجه و خشت خام ساخته اند احاطه شده این احاطه را ممکن است در زمان بنای کبخ ساخته باشند و هم امکان دارد در تاربخهای بعد. زیرا هنوز کوشهای ما باین بررسی نمیتواند پاسخ قطعی بدهد.